



The Yovar Ritual among Tat, Turk, Turkeman, and Kurmanj People of Northern Khorasan

Omid Vahdani Far^{*1}, Sara Hamidi²

Received: 14/03/2023

Accepted: 21/06/2023

Background

There have been some studies on the ritual of assistance, some of which are “The culture of assistance in agriculture” by Farhadi, “The culture of assistance in watering”, “Assisting others and self in spring ceremonies in Ask Larijan”, and in a book entitled *The Culture of Assistance in Iran*. Mahjourian has focused on folk culture of this practice among Mazandarani people. Hashemi has also conducted a study on the cooperation and solidarity of people. Norolahi investigated the same practice among the tribal and semi-tribal people of Ilam.

* Corresponding Author's E-mail:
o.vahdanifar@gmail.com

Aims and questions

This study aimed to analyze the ritual of Yovar among Kurmanj people, Yovar among the social ecology of Turkeman, Yavari among the Tat, and Yovar among the Turks of the northern Khorasan to answer the following questions:

1. In what conditions the ritual of Yovar was practiced and what stages it had?
2. How was the ritual of Yovar practice among the four mentioned ethnic groups and what were the similarities and differences?

1 Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Bojnord, Bojnord, Iran.

<http://www.orcid.org/0000-0002-6981-6548>

2 B.A graduate of Persian Language and Literature, University of Bojnord, Bojnord, Iran.

<http://www.orcid.org/0000-0001-7793-7676>



3. What were the consequences of Yovar among the ethnic groups?

Main discussion

Philanthropy, cooperation and assistance are some instinct features of human. Farabi labels this characteristic the civil friendship (Farabi, 1405AH, p. 23). The same attitude could be found among different human groups through rituals. The practice of this ritual depends on the social beliefs with some minor differences. Yovar was one custom which was practiced based on several stages. In each ethnic society, people informed each other regarding the practice of Yovar and then gathered in one place to practice it. The divided the responsibilities in the location. There were some similarities among Turkeman, Kurmanj, Tat, and Turk people. Yovar was a common practice when it came to gathering crops, sheep's ripping, housing, wedding, mourning, among others, though some minor differences were normal. In general, "the hard practice of gathering agricultural crop required group work and this increased the attitude of cooperation and assistance among people (Hashemi, 2013, p. 116). Therefore, the practice was a common notion among the four ethnic groups. Collecting cotton flower was common among Turkeman, Turk, and Kurmanj people which was usually done by women. Yovar was also done in wedding ceremonies in Kurmanj, but was seriously followed in the other three ethnic groups. The Yovar was thoroughly practice among Turkemans and in some parts was different from the other two ethnic groups. As Doglas mentions with regards to the linguistic studies of Bernstein "the was the ritual was practiced is a main tool for communication since the ritual shows beliefs, understanding and social emotions. Therefore, the ritual is a source of social information and should be studied as a cultural form (2014, p. 4806).



Conclusion

Yovar is a traditional social practice which focuses on cooperation and assistance as a human effort. The findings of this study showed that the practice is rather forgotten among Turkeman and Turk people. As the field study shows, most people under 40 have no information about this ritual and those who do are commonly between 70 to 80 years old. Among Kurmanj and Tat people, this ritual is practiced one way or another but is not very much common. The custom is rather observed among the four ethnic groups in agriculture, animal husbandry, housing, wedding, and mourning ceremonies. Yovar has different names which is practiced similarly as the ethnic groups have contact. Yovar is also applicable for happy events which is accompanied by poems and music. Therefore, Yovar can encourage moral goods. The ritual shows that it carries some concepts such as philanthropy, cooperation, sympathy, empathy, among others.

References

- Abedi, Z., & Fayazi, M. (2014). *Cultural linguistics of wedding ceremonies among Tat people in Esfarayen and Levieh of Roudbar*. Papers on the 13th National Conference of Persian Language and Literature, 4805-4821.
- Alfarabi, A. (1405AH). *Some studies, reports, and analysis on Fozi Metr Najar*. Dar-almashregh.
- Hashemi, A. (2013). Cooperation, traditional assistance in people's culture. *People's Culture in Iran*, 35, 113-134.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۱۱، شماره ۵۱، مرداد و شهریور ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

DOR: 20. 1001. 1.23454466.1402.11.51.4.0

آیین «یوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج خراسان شمالی

امید وحدانی فر*^۱، سارا حمیدی^۲

(دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱)

چکیده

فرهنگ عامه اقوام ایرانی دنیایی رمزآلود است که بررسی محتوایی ظرایف آن می‌تواند چشم‌اندازهای تازه‌ای به دنیای مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی بگشاید. در پژوهش پیش‌رو کوشش می‌شود با بیان عناصر فرهنگی و اعتقادات مرسوم در میان اقوام استان خراسان شمالی، به تبیین و تحلیل یک آیین محلی با نام «یوار» در بین چهار قوم تات، ترک، ترکمن و کرمانج با بهره‌گیری از شیوه مبتنی بر مصاحبه با پژوهشگران حوزه فرهنگ عامه خراسان شمالی و گویشوران موثق و منابع مکتوب پرداخته شود تا ضمن معرفی این آیین و آداب مربوط به آن، شباهت‌ها و تفاوت‌ها در نحوه برگزاری، موارد کاربرد و پیامدهای آن در بین چهار قوم مذکور مشخص شود. حاصل این بررسی نشان می‌دهد که آیین یوار در گذشته تقریباً با شیوه‌های یکسان و با اندکی تفاوت در مراسم گروهی نظیر درو کردن و جمع‌آوری محصولات کشاورزی، خانه‌سازی، پشم‌چینی گوسفندان، قالی‌بافی و... در بین اقوام مذکور انجام می‌شده

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران (نویسنده مسئول)

*o.vahdanifar@gmail.com

<http://www.orcid.org/0000-0002-6981-6548>

۲. دانش‌آموخته کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

<http://www.orcid.org/0000-0001-7793-7676>

است. از پیامدهای مهم این آیین علاوه بر تعاون و همکاری می‌توان به ایجاد حس همدلی و نوع دوستی در بین مردمان این خطه، افزایش درک، ابراز شادی و محبت به هم‌نوعان اشاره کرد. درواقع این آیین نشان‌دهنده همدلی و ایثار بین افراد این اقوام بوده است، زیرا از تمامی اقشار جامعه به‌خصوص جوانان با توجه به مهارت و نیروی جسمانی که داشتند، در آن حضور داشتند. این آیین تا دهه ۱۳۵۰ رونق داشته، اما به مرور زمان و با پیشرفت تکنولوژی، تغییر نسل‌ها و مشکلات مالی‌ای که برای مردم به وجود آمده، باعث کم‌رنگ شدن و درنهایت از بین رفتن آن شده است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ عامه، آیین یوار، ترکمن، تات، ترک، کرمانج.

۱. مقدمه

فرهنگ و زندگی بشر از موقعیت‌های متنوعی شکل یافته است. برخی از این لحظات در زندگی روزمره قابل دسته‌بندی هستند و دسته‌ای دیگر در قالب لحظات متمایز از زندگی روزمره جای می‌گیرند. موقعیت‌ها و لحظات آیینی در قالب اخیر، قابل مشاهده و دسته‌بندی هستند (Barnard & Spencer, 2010, p. 648). فرهنگ و تمدن کهن ایران یکی از تمدن‌های پیشرو به‌جامانده از گذشتگان است و از خرده‌فرهنگ‌ها و آیین‌های بومی و محلی زیادی تشکیل شده است که دوام آن مرهون آیین‌های محلی، آداب و رسوم بومی است (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۲). آیین‌ها پدیده‌هایی فرهنگی و اجتماعی به حساب می‌آیند که از گذشته تا به امروز دارای اهمیت هستند و اغلب آن‌ها نمادین‌اند. به طور کلی هر عمل آیینی به‌مثابه جلوه‌ای از اندیشه‌های بنیادین انسان است که در قالب «رمز»، آشکارکننده جوهره‌های پنهان آن است و از آنجایی که آیین‌ها بهترین انگیزه برای برپایی اجتماعات انسانی هستند، مشارکت مردمی را به همراه دارند (رفیع‌فر و کماللو، ۱۳۹۳، ص. ۲۸). مطالعه رفتار اجتماعی، آداب و رسوم و عقاید،

آیین «یُوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج... _____ امید وحدانی فر و همکار

بینش هم‌بستگی و همیاری اجتماعی با نام‌های مختلف اما با ضوابط مشخص در تمام نقاط ایران، هویت فرهنگی و اجتماعی اقوام را به گونه‌ای خاص در طول زمان در پی داشته تا آنجا که انجام آداب و رسوم هر جامعه به صورت عادت درآمده است (رجبی و همکاران، ۱۳۷۸، ص. ۱۲۴). خراسان شمالی رنگین‌کمان اقوام و زبان‌ها^۱، دارای فرهنگ غنی و تمدنی کهن است؛ فرهنگ و تمدنی که از آداب و رسوم و آیین‌های بومی مختلفی تشکیل شده است.

۱-۱. بیان مسئله

آیین یُوار، سنتی است برای کمک به هم‌نوع که در حدود ۴۰ تا ۵۰ سال پیش در بین اقوام مختلف خراسان شمالی بسیار مرسوم بوده و نشان‌دهنده نوع دوستی و تعاون بوده، اما با گذشت زمان بسیار کم‌تر شده است. یُوار فقط یک کلمه نیست، بلکه سنتی شادی‌بخش است. در این پژوهش در جست‌وجوی رسیدن به پاسخ سؤالات زیر هستیم:

۱. آیین یُوار در چه مواردی انجام می‌شده و چه مراحل داشته است؟
۲. نحوه برگزاری آیین مذکور در بین چهار قوم مورد بحث چگونه بوده و چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با هم دارند؟
۳. تأثیرات یُوار و پیامدهای آن در میان اقوام مذکور چیست؟

۲-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

آداب و رسوم و مراسم، آینه‌ای از فرهنگ، مذهب، احساسات، عواطف و اندیشه‌های هر قوم هستند که با ثبت آن‌ها می‌توان از خطر نابودی حفظ کرد. علاوه بر آن، آیین‌های اقوام مانند اعتقادات و باورهای آن‌ها مجموعه تجربیات و تفکرات آن‌ها در

طی قرن‌هاست که به جامعه هویت می‌بخشد. از این رو، برای شناخت مردم هر قوم باید آیین‌های آن‌ها را بشناسیم تا با روش، نوع زندگی، تفکر و تمدن آن‌ها آشنا شویم.

۲. پیشینه پژوهش

از آنجایی که یوار در شمار آیین‌های یاری‌گری محسوب می‌شود تاکنون درباره این آیین در بین سایر اقوام پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله: فرهادی (۱۳۶۴) در «فرهنگ یاری در کشتکاری»، یاری‌گری‌های سنتی در کاشت، داشت، برداشت و تعاون‌های سنتی در زمینه کشاورزی را در برخی از روستاهای ایران مورد بررسی قرار داده است. فرهادی (۱۳۶۴) در «فرهنگ یاری در آبیاری»، خودیاری در حفر چاه در روستاهای مختلف را که برای آسان شدن کار و جلوگیری از تلف شدن آب انجام می‌دادند، مورد تحلیل قرار داده است. فرهادی (۱۳۶۶) در «دگریاری و خودیاری در جشن میان بهار در آسک لاریجان آمل»، جشن برفه‌چال را که در ۱۵ اردیبهشت برگزار می‌شده، تحلیل کرده است. مهجوریان (۱۳۸۴) در کتاب یاری‌گری در فرهنگ عامیانه مردم مازندران، از نخستین یاری‌گری در پیش از تاریخ که به شکل ابتدایی بوده، سخن رانده است. فرهادی (۱۳۸۵) در کتاب فرهنگ یاری‌گری در ایران، به بررسی آیین در ایران پرداخته و درباره نحوه برگزاری آن به طور مختصر اشاره کرده است. هاشمی (۱۳۹۳) در «تعاون - همیاری سنتی در فرهنگ مردم»، به تحلیل تعاون و همکاری در زمینه‌های کشاورزی و باغداری، آب و آبیاری، دام‌پروری، صید و ماهی‌گیری، خانه‌سازی و... در جامعه ایرانی پرداخته است. نوراللهی (۱۳۹۷) «یاری‌گری در میان کوچ‌نشینان و نیمه‌کوچ‌نشینان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام»، به بررسی انواع یاری‌گری‌ها در میان قوم مذکور از جمله کشاورزی، خانه‌سازی و... پرداخته و انواع یاری‌گری در قدیم و امروزه را بیان کرده است. با بررسی‌هایی که نگارندگان درمورد آیین یوار در

آیین «بُوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج..._____ امید وحدانی فر و همکار
میان اقوام خراسان شمالی انجام دادند، مشخص شد که تاکنون پژوهش مستقلی در این
زمینه صورت نگرفته است.

۳. بحث و بررسی

سنت‌های اجتماعی، آداب و رسوم و باورهای مردم جزئی از فرهنگ هستند و عموماً بازگوکننده روحیات آن‌هاست و برای آن‌که به این روحیه پی برده شود، به‌ناچار باید فرهنگ عامه را شناخت. البته این رفتارها و کردارها در دوران پیدایی خویش نبوده‌اند، اما با گذشت زمان دچار دگرگونی‌های اجتماعی شده و به مرور رنگ کهنگی به خود گرفته است و به صورت یک سنت در تاریخ بایگانی شده‌اند (خیراندیش، ۱۳۸۴، ص. ۱). آیین رشته‌ای است که عناصر جامعه را به وحدت موسمی و تکرارشونده‌ای متصل می‌کند و جامعه با تکرار بنیادهای اعتقادی و عرفی در قالب آیین به تجربه، وحدت و تضمین گروهی ماهیت خود نائل می‌شود. نیاز جوامع به آیین نیازی اساسی و تعیین‌کننده است؛ به همین دلیل است که جوامع مصرانه در حفظ آیین‌های خود می‌کوشند (مرادخانی، ۱۳۹۰، ص. ۹۸). آیین‌ها جزئی از سنت به‌شمار می‌روند و در جوامع سنتی مانند ایران از جایگاه خاصی برخوردارند. ویژگی اصلی آیین‌ها مردمی بودن و احساس ناخودآگاه جمعی آن‌هاست که اعضای جامعه را به برگزاری ترغیب می‌کند. آیین‌ها در طول تاریخ و در ارتباطی که انسان براساس باورهایش با محیط پیرامون برقرار کرده، شکل گرفته و به ترتیب در جامعه پذیرفته شده‌اند (میرحیدری، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۰). نوع دوستی، تعاون و همیاری از خصوصیات درونی انسان است. فارابی از این ویژگی انسانی به‌عنوان «دوستی مدنی» نام برده و آن را در قالب امر محبوب تعریف و بیان می‌کند که تعاون دستاورد این امر محبوب است. این دانشمند ایرانی معتقد است که دوستی مدنی به‌مثابه عاملی است که اعضای جامعه

آن را به هم تألیف می دهند (فارابی، ۱۴۰۵، ص. ۲۳). روحیه تعاون و نوع دوستی در جوامع مختلف انسانی به آداب و سنی منجر شده است که از آن به «آیین» یاد می شود. شکل های اجرایی آیین ها بسته به باورهای اجتماعی متفاوت و گاهی با اختلاف اندک، مشابه است. در این مقاله کوشش می شود تا آیین یاوار یا هاوار در بین قوم کرمانج، یووار در زیست اجتماعی طوایف ترکمن، یاوری در اقوام تات و یوار در بین اقوام ترک خراسان شمالی بررسی و مقایسه شود.

۱-۳. تعریف لغوی و اصطلاحی یوار

یوار در لغت به معنای یاوری و کار دسته جمعی رایگان برای کسی است (عزیزی، ۱۳۹۴، ص. ۳۷۹). به افراد کمکی، «یووارچی» گفته می شود. این واژه معادل نوع دوستی است که چنین تعریف شده است:

همکاری و نوع دوستی علاوه بر معنای یاری دادن، مفهوم هم شغلی و هم پیوستگی نیز هست و در گذشته به همین دلیل به معنای رقابت نیز به کار رفته است، زیرا در هم پیوستگی رقابت وجود داشته است اما منظور از یاریگری به عنوان یک اصطلاح یکی بودن و هم سویی کوشش های دوبا یا تعداد بیشتری از افراد برای دستیابی به هدف های معین با نیت واحد و متفاوت است (فرهادی، ۱۳۸۵، صص. ۱-۲).

که به طور کلی «پویایی و پایداری نظم اجتماعی در گرو شناخت و سازماندهی روابط اجتماعی بر مبنای کنش متقابل پیوسته (یاریگری) می باشد» (مهام، ۱۳۹۹، ص. ۱۱). در مجموع، یوار به معنای تعاون، همیاری، کمک به دیگران و مشارکت است و هربرت اسپنسر «مشارکت را جوهره زندگی اجتماعی نامیده است» (اسپنسر به نقل از کورز، ۲۰۰۳، ص. ۱۴۱).

آیین «یوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج... _____ امید وحدانی فر و همکار

۲-۳. پیشینه یوار در فرهنگ ایرانی

یاریگری از ویژگی‌های جوامع سنتی است. جامعه سنتی ایران نیز در گذشته و حال در موارد گوناگون برای مقابله با دشواری‌های زندگی اجتماعی به چنین راه‌حلهایی نیازمند بوده و هنوز نیز نیازمند است. فقر اقتصادی، فقدان امنیت، شرایط اقلیمی و جغرافیایی دشوار از سویی و فرهنگ یاری‌دوستی و اخوت اسلامی و ایرانی از سوی دیگر در درازای زمان به‌ویژه روستاییان و کوچ‌نشینان ایرانی را هر چه بیشتر به هم وابسته کرده است (فرهادی، ۱۳۸۷، ص. ۱۴). برای سنن اجتماعی مخصوصاً یاریگری نمی‌شود پیشینه‌ای در نظر گرفت، اما آنچه که می‌توانیم اظهار نظر بکنیم این است که اقوام در ایران را به صورت دیرینه‌پا و قدم‌شان بررسی کنیم؛ مثلاً بگوییم ترکمن‌ها قوم پیشینه‌داری هستند و چون سنت‌های اجتماعی با جوامع اجتماعی توکد پیدا می‌کند و راحت می‌توانیم قضاوت کنیم که هم‌پای استحکام سنن اجتماعی بین جوامع ایران چنین سنی هم پدیدار شده است. درمورد سنت یوار نیز با همین قضیه مواجه هستیم؛ یعنی نوعی از یک پدیدار سنتی که در چارچوب تعاون و نهایتاً نوع‌دوستی انسان معنا می‌شود که به‌طور دقیق نمی‌توان برای آن آغازی پیدا کرد و یا رواج آن را برای نخستین‌بار به یک قوم خاص نسبت بدهیم. یوار ممکن است ریشه ترکمنی داشته باشد، زیرا ترکمن‌ها سال‌های طولانی بر ایران حکومت کرده و بعضی‌ها اعتقاد دارند که تا پایان دوره قاجاریه ترکمن‌ها در پشت پرده بوده‌اند.

۳-۳. خراسان شمالی (تعریف جغرافیای اقوام)

خراسان شمالی ۲۸,۱۶۶ کیلومتر مربع وسعت دارد. مطابق سرشماری سال ۱۳۸۵ این استان دارای ۸۱۱,۵۷۲ نفر جمعیت است که در ۸ شهرستان بجنورد، اسفراین، شیروان، جاجرم، گرمه، مانه و سملقان، فاروج و رازوجرگلان سکونت دارند. این استان دارای

۱۵ شهر، ۱۶ بخش، ۴۱ دهستان و ۸۶۶ روستای دارای سکونت است که از شمال و شمال شرقی با کشور ترکمنستان، از مشرق و جنوب با استان خراسان رضوی، از جنوب غربی با استان سمنان و از غرب نیز با استان گلستان همسایه است (حقیقی، ۱۳۸۷، ص. ۱۳). خراسان شمالی در روزگاران پس از ظهور اسلام به دلیل تحولات مختلف سیاسی و نظامی شاهد حضور اقوام مهاجر و مهاجم از قبیل گروه‌های مختلف ترک، ترکمن، مغول، تاتار، ازبک، کرد و هزاره در خاک خود بوده است. این استان علاوه بر پذیرش مهاجران برآمده از شرق و شمال، پذیرای مهاجران کرد برآمده از غرب ایران نیز بوده است. در طول تاریخ با توجه به تفاوت‌های نژادی، زبانی و فرهنگی این گروه‌ها و پیدا شدن اختلافات و بعضاً تضادهای مذهبی - به ویژه از زمان حاکمیت صفویان شیعه‌مذهب - درگیری‌های قومی و مذهبی در خراسان شمالی وجود داشت، اما در حال حاضر به دلیل رشد فرهنگی در بین قومیت‌های ساکن در این استان هیچ‌گونه مشکلی وجود ندارد و گروه‌های مختلف در کمال آرامش در کنار یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی را همراه با حفظ سنت‌های خاص خود دارند (همان، صص. ۴۷-۴۸). بیشتر اقوام خراسان شمالی عشایر بوده‌اند و مفهوم عشایر با کوچندگی و کوچ‌نشینی عجین شده است (فریدونی، ۱۳۷۰، ص. ۱۴۶). از قوم عشایری که امروزه ساکن و جزوی از جامعه آماری خراسان شمالی را تشکیل می‌دهند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. منطقه راز و جرگلان که بیشتر ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند و در بین آن‌ها روستاهای دویدوخ علیا و اشرف دره از توابع بخش جرگلان و روستای دشتک علیا در دهستان جیران‌سو بخش مرکزی شهرستان مانه سملقان است؛ ۲. در بین کرمانج‌ها دهستان بدرانلو از توابع بخش مرکزی شهرستان بجنورد؛ ۳. در بین تات‌ها شوقان، شهری در بخش جلگه شوقان، شهرستان جاجرم و دیگری در دهستان گیفان،

آیین «یوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج..._____ امید وحدانی فر و همکار
روستایی در بخش گرمخان؛ ۴. قوم ترک نیز از عشایر قدیمی هستند که به خراسان
شمالی کوچ کرده‌اند و امروزه شهر بجنورد را تشکیل می‌دهند (ایزدخواه، ۱۳۹۷، ص.
۶۰).

۴-۳. یوار در میان چهار قوم مورد بحث

آیین یوار در بین چهار قوم مورد بحث دارای آداب و مراحل بوده که قبل از پرداختن
به انواع آن در بین هر یک از اقوام، به آداب مربوط به آن اشاره می‌شود.

۳-۴-۱. آداب و مراحل یوار

۱. درخواست یوار: درخواست یوار معمولاً از طرف کسی که نیاز به یوار دارد، به
ریش سفید و یا پیش‌نماز روستا اعلام می‌شده است. این اعلام نیاز گاهی از جانب
شخص نیازمند به کمک بوده است و گاهی نیز به دلیل اینکه ممکن بود شخص از
درخواست کمک خجالت بکشد، از جانب شخص یا اشخاصی و یا حتی به صلاح دید
ریش سفیدهای روستا صورت می‌گرفته است. بنابراین، در یوار ممکن است فرد نیازمند
به یوار خبر نداشته باشد و دوست یا برادر یا... از مردم درخواست یوار کند و فرد
بی اطلاع باشد.

۲. اعلام یوار: پس از درخواست کمک از طرف صاحب یوار و یا اطرافیان وی باید
این موضوع به اهالی روستا اعلام می‌شد که این اعلام در اکثر مواقع از طرف
ریش سفیدها، شخصی مأمور رساندن این خبر به اهالی روستا می‌شده است. گاهی خبر
یوار را در یک مکانی نظیر مسجد با صدای بلند اعلام می‌کرده‌اند و هیچ‌گاه درب منزلی
نمی‌گفتند، زیرا ممکن بوده بعضی از مردم معذوریّت داشته باشند.

۳. **تجمع:** بعد از اعلام خبر یوار، فردای آن روز مردم برای اجرای سنت یوار در مکانی گرد هم جمع می شدند و سپس به سمت خانه صاحب یوار حرکت می کردند. اجرای این سنت تا رسیدن به محل اجرای یوار با چاووش خوانی همراه بوده است. قبل از شروع یوار، صاحب یوار با اسپند و چند تا آبنبات به یوارچی ها خوش آمد می گفت. گاهی پس از اتمام چاووش خوانی ممکن بود که نوازنده ها نیز هنرنمایی کنند که گاهی با رقص به سمت این قضیه می رفتند، زیرا حضور چاووش خوان ها و نوازندگان برای ایجاد روحیه شادی و بهجت به لحاظ روحی و عاطفی برای انجام این آیین بوده است.

۴. **تقسیم کار:** در یوار فردی که ماهرتر از بقیه و یا استادکار بود، براساس موقعیت جغرافیایی و توانایی افراد، کار را میان آن ها تقسیم می کرد. درواقع، استادکار هر کسی را بسته به توانمندی که در اجرای موضوع یوار داشتند، سازماندهی می کرد.

۵. **غذای یوار:** یکی دیگر از آداب و رسوم یوار، دادن ولیمه است. ولیمه ممکن بود از طرف صاحب یوار تهیه شود و یا از سوی یوارچی ها مثلاً گوسفندی را قربانی می کردند. در بیشتر موارد غذای یوار آبگوشت بوده است.

۲-۴-۳. ترکمن ها و آیین یوار

قوم ترکمن یکی از اقوام مهاجر به سرزمین کنونی ایران محسوب می شود که دشت های منچوری و مغولستان، مکان اولیه آن ها به شمار می رود. این قوم در منطقه ساحلی شمال دریاچه «ایشیق گل» در مغولستان زندگی می کردند. طوایف ترکمن گوکلان، یمرلی و آل علی در جلگه های کوپه داغ و بعداً ساریق ها، ارساری ها و سالرها در اطراف قوچان و بجنورد ساکن شدند و یموت ها به شمال خراسان روی آوردند و در قرن شانزدهم این طوایف در تمام ساحل شرق خزر زندگی می کردند (یوسفی، ۱۳۹۱، صص. ۲۸-۳۰). در بین اقوام ترکمن فرهنگ تعاون به شکل های مختلف از گذشته وجود داشته است که

آیین «یوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج..._____ امید وحدانی فر و همکار

آیین یووار نیز در شمار یکی از انواع تعاون‌هایی کهن محسوب می‌شود. در گویش ترکمنی به کسی که نیازمند کمک یووار است، «یوارلی» و به کسی که برای کمک به انجام یوار آمده است، «یوارچی» می‌گویند. در بین ترکمن‌ها اصلی‌ترین موردی که در آن یووار انجام می‌شده، کاشت و خصوصاً برداشت محصولات کشاورزی بوده و علاوه بر آن در زمینه خانه‌سازی، قالی‌بافی و در مواردی نیز برای تدارکات عروسی بوده است.

یووار در کشاورزی: یووار در کشاورزی در بین اقوام ترکمن به‌طور کلی به دو صورت انجام می‌گرفته است: ۱. برداشت نوبتی محصول؛ ۲. برداشت محصول شخصی که نیرو و هزینه کافی برای برداشت آن را نداشته یا به نوعی دچار فقر و زیان مالی شده و یا شخصی که عزادار عزیزی بوده است. در مورد اول که معمولاً به برداشت گندم و جو اشاره دارد، اهالی روستا ابتدا محصولات بزرگ و ریش‌سفید (یاش‌اولی) روستا را برداشت می‌کردند و سپس به برداشت محصولات دیگر اهالی روستا مشغول می‌شدند. مورد نخست در سال‌های بسیار دوری انجام می‌شده و امروزه تا حد زیادی منسوخ شده است، اما مورد دوم قدمتی تقریباً به اندازه مورد اول دارد و تا به امروز هم در برخی از مناطق انجام می‌شود. این نوع یووار بیشتر برای کمک به افرادی انجام می‌شد که به کمک نیاز داشتند. این نیاز به کمک می‌توانست ناشی از ناتوانی در تأمین هزینه، عجله در برداشت محصول به علت آفت‌زدگی و یا نداشتن شرایط روحی مناسب باشد (داوری^۲، مصاحبه ۱۴۰۱/۸/۲۲):

یووار در خانه‌سازی: در بین ترکمن‌ها یووار در خانه‌سازی برای ساخت، ترمیم و بازسازی خانه‌های شخصی و یا مکان‌های عمومی و مذهبی مانند مساجد، مکاتب و یا مدرسه‌ها صورت می‌گرفته است. یووار در خانه‌سازی برای تازه‌عروس و دامادها

شایع‌ترین مورد در این زمینه بوده است که گاهی حتی تا تأمین مقداری از هزینه مصالح نیز پیش می‌رفته است. در این مورد یوارچی‌ها از استادکار و کارگر ماهر گرفته تا کارگر ساده مشارکت می‌کردند و معمولاً از شروع تا پایان بنایی ادامه داشته است (کوهی^۳، مصاحبه ۱۴۰۱/۸/۲۲).

یووار در عروسی: اقوام ترکمن یک روز قبل عروسی را به‌عنوان روز بزرگ یووار انتخاب می‌کردند. با توجه به اینکه تا دهه ۱۳۶۰ در روستاهای ترکمن‌نشین گاز نبود و نفت هم به آن صورت یافت نمی‌شد، مردم برای جمع‌آوری هیزم از کوه یووار انجام می‌دادند تا اینکه صاحب عروسی بتواند مراسم خود را به راحتی برگزار کند و اسم آن روز «روز یووار» بود. (رهنما^۴، مصاحبه ۱۴۰۱/۹/۲۷). در یووار عروسی ترکمن‌ها، بانوان نیز نقش داشتند. یکی از این نقش‌ها شکستن قند برای صاحب عروسی بود. در آن زمان به دلیل گرانی یا عدم وجود شکلات و شیرینی، قند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. بنابراین، قندشکستن به مقدار زیاد نیازمند یووار بود که عموماً ۱۰ تا ۱۲ نفر از بانوان در این رسم شرکت می‌کردند (حمیدی^۵، مصاحبه ۱۴۰۱/۹/۱۱).

پشم‌چینی گوسفندان: در پشم‌چینی گوسفندان آقایان نقش پررنگی داشتند و بیشتر برای کسانی که گوسفندان زیادی داشتند و به تنهایی از پس چیدن آن برنمی‌آمدند، یووار صورت می‌گرفت و هرکس به اندازه توانایی که داشت کاری به او می‌سپردند. نقش بانوان در یووار، شانه کردن پشم بود، زیرا توانایی زنان در انجام این کار بسیار زیاد بود (رامین^۶، مصاحبه ۱۴۰۱/۹/۱۱).

یووار در نمدمالی: یک روز خاصی را بانوان ترکمنی گرد هم جمع می‌شدند و در یک جای نسبتاً خالی یووار نمدمالی را انجام می‌دادند که تعداد بانوان بین ۸ تا ۱۰ نفر بوده است. برای این آیین اول صبح آتش بزرگی درست می‌کردند و دیگ بزرگ پرآب

آیین «بُوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج..._____ امید وحدانی فر و همکار

را روی آن قرار می‌دادند. این‌گونه بود که به نمد نم می‌دادند و دور آن طناب می‌بستند و چند نفر یک سمت طناب و چند نفر سمت دیگر طناب را می‌گرفتند و می‌کشیدند تا نم آن برود. سپس آبی که گرم می‌شد، روی نمد می‌ریختند و با پاهای خود نمد را لگدمال می‌کردند تا دوباره نم آن خارج شود. این کار ۲ تا ۳ ساعت طول می‌کشید و بعد از ۴ تا ۵ ساعت زن‌ها نمد را صاف می‌کردند و بعد از آن نمد را بلند کرده و در جایی آویزان می‌کردند. این کار روز بعد برای زن دیگری تکرار می‌شد (مرادی^۷، مصاحبه ۱۴۰۱/۹/۲۱).

درست کردن سمنو: ابتدا دانه‌های گندم را در چند ظرف و چندین روز قبل می‌کاشتند و منتظر می‌ماندند تا وقتی که به اندازه مورد نظر برسد؛ بعد از آن زنان و دختران به تعداد ۷ تا ۸ نفر شب قبل در خانه کسی که قرار بود سمنو درست کنند، جمع می‌شدند و شروع به خرد کردن ساقه‌های سبزه می‌کردند. این کار ۷ مرتبه انجام می‌شد و در هر بار از شکستن سبزه‌ها یاد خدا می‌کردند. زن‌ها تا پاسی از شب به این کار ادامه می‌دادند تا اینکه آب سبزه‌ها را می‌گرفتند و در ظرف بزرگی جمع می‌کردند و شب را نیز در خانه میزبان می‌خوابیدند. صبح روز بعد بیدار می‌شدند و آب جمع‌آوری شده را روی آتش قرار می‌دادند و به اصطلاح سمنو را بار می‌گذاشتند. سپس نوبت به نوبت آن را هم می‌زدند و در دل حاجات خود را نیز زمزمه می‌کردند. پس از آماده شدن سمنو آن را بین همسایه‌ها پخش می‌کردند (مرادی، مصاحبه ۱۴۰۱/۹/۲۱).

قالی بافی: به طور کلی زنان ترکمن در هنر قالی بافی مشهور هستند و در زمان‌های قدیم بسیار قالی بافی می‌کردند و گاهی در این بین رقابتی نیز صورت می‌گرفت به طوری که در چندین خانه هم‌زمان قالی بافی می‌کردند. در این حین اگر کسی از میان دیگر رقیبان عقب می‌افتاد در آن صورت یووار صورت می‌گرفت؛ بدین صورت که ۲ تا

۳ نفر را برای یووار دعوت می کردند. همچنین وقتی کسی از بانوان ترکمن قالی می گذاشت و می دید که مراسمی نزدیک است و یا مشغله زیادی دارد و نمی تواند قالی خود را در زمان معین به اتمام برساند، یووار می کرد (جاوید^۸، مصاحبه ۱۴۰۱/۹/۲۷). در آیین یووار علاوه بر فرهنگ یاریگری با ادبیات عامه نیز مواجه هستیم، زیرا در هنگام قالی بافی اشعاری نیز به گویش ترکمنی می گفتند؛ از جمله:

آیاغمینگ بندی حالی یورگیم یاندی حالی

سنی کسم حالی اوباده گسم حالی

ayaghming bandi khali/ yoragim yandi khali// sani kassam khali// obada
gassam khali

برگردان: پایم را بسته ای ای قالی! دلم را سوزانده ای ای قالی! کاش تو را زودتر

تمام کنم قالی! در روستا گردش کنم ای قالی!



تصویر ۱: یووار بانوان ترکمن در قالی بافی

Figure 1: Turkmen Women's Commulative Work in Carpet-weaving

آیین «بُوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج... _____ امید وحدانی فر و همکار

علاوه بر موارد مذکور، رد پای بانوان ترکمنی را در یووار مواردی نظیر: کورته‌دوزی، قتلمه‌پزی، چلپک‌پزی و شواتی می‌توانیم ببینیم. از دیرباز یکی از یووارهای بانوان ترکمنی، یووار قتلمه‌پزی است که در روز خاصی مانند اعیاد (بایرام ترکمن) در خانه‌ای جمع می‌شدند، خمیر درست می‌کردند، تعدادی از بانوان خمیر چانه گرفته و پهن می‌کردند و تعدادی آن را می‌پختند. در همه موارد وقتی که یووار خانم‌ها به اتمام می‌رسید، دور هم جمع می‌شدند و به شادی می‌پرداختند و برای خودشان اشعار و سرودهای ترکمنی می‌خواندند (رامین، مصاحبه ۱۴۰۱/۹/۱۱). بانوان ترکمنی در انجام هر کاری که در آن یووار صورت می‌گرفته است، برای نشاط خودشان ترانه‌ای می‌خوانند که در ادامه به نمونه‌ای دیگر از این ترانه‌های محلی ترکمنی اشاره می‌شود:

ایلرده بیر آوی گوردوم Eil larda bir oy gordom اوستی قامیشلی Osti ghamishli

ایچنده بیر قیز گوردوم ichenda bir ghiz gordom دورت اورم ساچلی Dort oarem sachli

اجه سیندن سورادیم Aja sindan soradim قیز اوینار یاشلی Ghiz oynar yashli

قاقا سیندان سورادیم Qaqa sindan soradim قیز اون دورت Ghiz ondort yashli

یاشلی

آی آیدینگ دیریاختی Ay ayding dir yakhti dir قیزلار گلر وقتی Ghizla rgalar vaqti dir

دیر

یور گلجه گیده یلی Yo gallaja gidayli داماد گلجک وقتی Damad galjak vaqti dir

دیر

آی باقار آیا قارشلی Ay baqar aya gharshi سو آقار چایا So aqar Chaya gharshi

قارشلی

غریبا قیز برمزله Ghariba ghiz bermazlar گیدرله بایا قارشلی Gidarlar baya gharshi

برگردان: آن پشت‌ها خانه‌ای دیدم که سقفش از نی بود، در درون آن دختری با گیسوان بافته دیدم، از مادر بزرگش پرسیدم، گفت که او نوجوان است، از پدر بزرگش پرسیدم، گفت او ۱۴ سال دارد، امشب شب مهتابی و وقت آمدن دختران است، برویم که وقت آمدن داماد است، ماه به ماه می‌نگرد و آب به سوی رود جاری می‌شود، به فقیر دختر نمی‌دهند و او ناچار نصیب ثروتمند می‌شود (شادمهر، ۱۳۷۷، صص. ۴۷-۴۸).

۳-۴-۳. کرمانج‌ها و آیین یاور

کردهای کرمانج یکی از قبایل آریایی ایرانی هستند که در نواحی کوهستانی غرب فلات ایران از دیرباز سکونت گزیده‌اند. در زمان شاه اسماعیل صفوی کردها به‌ویژه قرامانلوها به‌طور پراکنده برای دفاع از مرزهای خراسان به این ایالت آورده شدند (توحیدی، ۱۳۵۹، ص. ۱۱، ۲۵). در جوامع کرمانج برای کمک به دیگران از یوار که در کرمانج به آن «یاوار» یا «هاوار» می‌گویند، استفاده می‌کنند. در بین کرمانج‌ها طوایف زیادی وجود دارد؛ به گونه‌ای که در زیرگروه‌ها تا ۴۰۰ مورد نیز شناخته می‌شوند. به جهت اینکه سنت یوار در بین تمام زیرگروه‌های تبارشناختی کرمانج‌ها جاری است، از این رو جایی از کرمانج‌نشین‌ها را سراغ نداریم که با این سنت بیگانه باشد مگر اینکه از لحاظ ساختار سنی و تغییر سبک زندگی، یک سری از جوان‌ها یا گروه‌های سنی با آن بیگانه باشند. در گویش کرمانجی به گروهی که برای کمک می‌روند، «یاوارچی» گفته می‌شود. در بین تمام قوم کرمانج اعم از ایلات و زیرگروه‌های آن‌ها سنت یوار شناخته شده است و در ۳ یا ۴ مورد خاص بیشتر تجلی می‌کند:

خانه‌سازی: در بین قوم کرمانج به صورت کلی در ساخت ابنیه به‌ویژه در ساخت منازل مسکونی از سنت یوار استفاده می‌شد.

آیین «بُوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج... _____ امید وحدانی فر و همکار

پشم‌چینی گوسفندان: بنیاد کرمانج‌ها چون ایلاتی بوده و ایلاتی‌ها نیز کوچ‌رواند و کوچ‌نشین‌ها هم دام دارند؛ یکی از اصول کارهای آن‌ها چیدن پشم گوسفندان در فصل گرم‌است. در پشم‌چینی ۴ تا ۵ کار انجام می‌شود که استادکار براساس توانایی هر فرد کار را به وی می‌سپارد. در حین انجام کار معمولاً با گفتن به اصطلاح یک سری عبارات مثل لطایف، صلوات و ... جوّ مفرّحی به کار می‌دادند و به هیچ عنوان اجازه نمی‌دادند که روحیّه خستگی بین آن‌ها راه پیدا کند.

جمع‌آوری محصولات: وقتی که فصل درو تمام می‌شد و ممکن بود فردی محصول خود را جمع نکرده باشد، مردم به کمک او می‌آمدند و در جمع‌آوری محصولات کمک می‌کردند. از موارد دیگر یاوار می‌توانیم به کاهگل کردن پشت بام‌ها، حصار دور باغ و کود دادن باغ که مردم به صورت گروهی جمع می‌شدند و یاوار می‌کردند (روشان^۹، مصاحبه ۱۴۰۱/۱۰/۶).



تصویر ۲: یاوار مردان کرمانج در درو کردن محصولات زراعی

Figure 2: Kurmanj Men's Commulative Work in Harvesting

به همان میزان که مردان به لحاظ کاری و دشواری‌های کار در یاوار مؤثر هستند، بانوان هم نقش ایفا می‌کنند. نخستین نقش بانوان در یک فرصت زمانی به نام «ناری»

است. ناری بعد از صبحانه و قبل از ناهار است. معمولاً خانم‌ها وقتی صبح یاوار از خواب بیدار می‌شوند، تنورها را روشن می‌کنند و نان، فتیر یا چُزمه درست می‌کنند. بانوان نیز با آیین خاصی به سراغ یاوار می‌آیند که معمولاً در سکوت است و اگر رقصی هم باشد در خلوت خودشان صورت می‌گیرد. بعد دهان خودشان را با پارچه‌ای می‌بندند و روانه می‌شوند. وقتی به محل مورد نظر می‌رسند، ریش سفید از آن‌ها دعوت به عمل می‌آورد و به بانوان خداقوت می‌گوید. در آن زمان مردان گوسفند را می‌کشند، گوشت را تکه تکه کرده و به بانوان می‌دهند تا با آن ناهار باربگذارند. یاوار کرمانج‌ها همراه با ترانه‌های محلی بوده است که از جمله شعر زیر آیین یاوار در بین کرمانج‌ها را تأیید می‌کند (جلیل و شادکام، ۱۳۹۲، ص. ۲۴۰):

Bine kare	بنی کاری	Sere kare	سه ری کاری
Wi haware	و هاواری	Icininine	ئچنینی
Min u yare	من و یاری	Ew xurage	ئه و خوراگی

برگردان: اوّل کار و آخر کار، درو می‌کنیم به‌صورت هاواری، و اون خوراک من و یارم. این شعر دو وجه دارد: ۱. حضور خود نوازندگان برای ایجاد نشاط؛ ۲. رقص و موارد حاشیه‌ای آن (رستمی^۱، مصاحبه ۱۴۰۱/۸/۱۴).

آیین «یوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج... _____ امید وحدانی فر و همکار



تصویر ۳: یوار بانوان کرمانج در پنبه‌چینی

Figure 3: Kurmanj Women's Commulative Work in Cotton Picking

۴-۴-۳. تات‌ها و آیین یآوری

گویش تاتی یکی از گویش‌های مورد استفاده در آذربایجان بوده و با زبان‌های آذری و زبان مردم ری از یک خانواده بوده است و اصل آن به زبان مادی پیش از اسلام بازمی‌گردد. هیچ یک از محققان به رواج این گویش در شمال خراسان اشاره‌ای نکرده‌اند. در شهرستان جاجرم، واقع در جنوب غرب استان خراسان شمالی، جلگه پهنآوری به نام «شوقان» و منطقه‌ای به نام «سنخواست» واقع است که اغلب ساکنان این مناطق به گویش تاتی تکلم می‌کنند. این مردم از دیرباز خود را تات می‌نامیدند و گویش رایج خود را نیز تاتی دانسته‌اند (صفرزاده، ۱۳۸۶، ص. ۷۰). در میان قوم تات نیز آیین یوار به‌طور گسترده انجام می‌شده است. تات‌ها به این سنت اجتماعی «یآوری» می‌گویند. فرهنگ یآوری در بین تات‌ها در گذشته باعث شده بود که انسان‌های تهی‌دست هم با مبادرت به کار کردن دیگران بتوانند از کمک دیگران برخوردار شوند.

یاوری را برای عموم مردم انجام می‌داده‌اند، ولی چنانچه اتفاق خاصی برای سرپرست یک خانوار می‌افتاد، مثلاً بیمار می‌شد و یا فوت می‌کرد، مردم خودجوش جمع می‌شدند و به کمک آن خانواده می‌رفتند. در این میان افرادی که پولدار بودند معمولاً یک نفر را به‌عنوان کارگر برای یاوری می‌فرستادند و به این ترتیب آن کارگر هم پول می‌گرفت و هم از مزیت یاوری بهره می‌برد. از مواردی که مردان در یاوری نقش داشتند به شرح زیر است:

کاهگل کردن پشت بام: در تابستان غالباً در روستاهای تات‌نشین پشت بام‌ها را کاهگل و به اصطلاح تاتی «قوره گل» می‌کردند که یکی از مواردی بود که آیین یاوری کردن را بسیار شدت می‌بخشید. در انجام کار یک استادکاری وجود داشت که کارها را بین مردم تقسیم می‌کرد و این تقسیم‌بندی براساس حرفه و توانایی فرد بود. مثلاً در کاهگل کردن پشت بام یکی گل درست می‌کرد، یکی سطل می‌آورد، یکی بالای پشت بام می‌رفت و... یا در پشم‌چینی گوسفندان یکی سر گوسفند را نگه می‌داشت، یکی پشم گوسفندان را می‌گرفت، یکی پشم‌ها را می‌شست و... کارها کاملاً تقسیم می‌شد تا هر کسی گوشه‌ای از کار را بگیرد و کار زود تمام شود.

برداشت محصول: از موارد دیگر یاوری که در بین قوم تات رواج داشت، هنگام برداشت محصول مخصوصاً گندم بود. برای دروی گندم به یاوری می‌رفتند و گندم صاحب‌زمین را جمع می‌کردند و بعد از این که مزرعه‌ای تمام می‌شد به سراغ مزرعه بعدی می‌رفتند.

کاشت: از موارد دیگر که در آن یاوری را تقویت می‌کرد، فصل کشت بود. در قدیم این گونه نبود که تراکتور یا ماشین‌های مکانیکی وجود داشته باشد. بنابراین، با گاو و

آیین «بُوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج..._____ امید وحدانی فر و همکار

احشام کارشان را پیش می‌بردند. به‌طور کلی مردمان تات در همین دهه‌های پیش و تا به امروز گاهی با فرهنگ یاوری کارشان را پیش می‌بردند.

مراسم عروسی: در مراسم عروسی نیز آیین یاوری وجود داشت. در عروسی یکی از موارد، جمع‌آوری هیزم برای خانواده عروس بود که این کار را معمولاً طرف داماد انجام می‌داد. یاوری دیگر در عروسی‌ها سوغات بردن بوده است.

سوگواری: آیین یاوری تنها به مراسم عروسی مربوط نمی‌شد بلکه در سوگواری نیز وجود داشت. مثلاً ۲ تا ۳ نفر با خودشان کیسه برنج یا روغن می‌بردند تا صاحب عزا به زحمت نیفتد.

حصار باغ: حصار باغ از یاوری‌هایی است که در قوم تات وجود دارد. همچنین کود دادن باغ از مواردی است که توسط مردان صورت می‌گرفته است.



تصویر ۴: یاوری مردان تات در کاه‌گل پشت بام

Figure 4: Tat Men's Commulative Work in Roof **Straw-mudding**

بانوان تاتی نیز در یاوری نقش داشتند. از جمله موارد یاوری بانوان اینکه: نزدیک عید که می‌شد بانوان جمع می‌شدند و به خانه فردی که عزادار بود، می‌رفتند، زیرا فرد

عزادار نمی توانست خانه تکانی انجام دهد. بانوان برای آن خانواده خانه تکانی می کردند تا بتواند از مهمان هایش در دید و بازدید عید نوروز پذیرایی کند که این کار بانوان بسیار اخلاقی و انسان مدارانه بود. یکی دیگر از موارد، عروس و ران یا عروس آوردن بود که خانم ها به خانواده عروس کمک می کردند. از موارد بعدی لحاف دوزی برای عروس بود. چند روزی مانده به مراسم عروسی، خانم ها در خانه عروس جمع می شدند و در دوختن لحاف و تهیه جهاز عروس یاوری داشتند. مورد دیگر پخت کلوچه های قندی در هنگام عید بود. در پخت این کلوچه، خانم ها مشارکت می کردند، گروهی خمیرها را درست می کردند و عده ای آن را می پختند. از موارد دیگر آداب یاوری در بین تات ها که بانوان نقش پررنگ تری نسبت به آقایان داشتند، این بود که صاحب یاوری موظف بود برای کمک کننده ها سفره پُر و پیمانی را آماده کند. پس زنان دیگر به کمکش می رفتند و در درست کردن ناهار آن روز به خانم خانه کمک می کردند. خوانش ترانه های کار در یاوری وجود داشت؛ در میان افرادی که یاوری می کردند بعضی ها که مقداری بر مدار فرهنگ بودند با بذله گویی و یا شوخی مجلس را می آراستند و چون این عده هنرمند بودند، مردم نیز با آن ها هم خوانی می کردند. البته این هم خوانی به ندرت صورت می پذیرفت و اگر شعر هم نمی خواندند، صلوات می فرستادند. از جمله می گفتند:

به حبیب خدا ختم انبیاء صلوات اول به مدینه مصطفی را صلوات
ای شیعه اگر راه نجات می طلبی پیوسته بگو دوم به نجف شیر خدا را صلوات

۳-۴-۵ ترک ها و آیین یوار

در طول تاریخ، خراسان گذرگاه و سکونت گاه بسیاری از گروه های مختلف ترک بوده و از این نظر با آثاری از تمدن و فرهنگ ترک غنی شده است. مناطق ترک نشین خراسان بخشی از وطن به هم پیوسته ترک در ایران، «تورک ائلی» است که به مناطق

آیین «یُوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج... _____ امید وحدانی فر و همکار

به هم پیوسته ترک نشین از شمال شرق تا شمال غرب و از شمال غرب تا نواحی جنوب ایران که وطن ملی قوم ترک در ایران است، اطلاق می شود. ترکان خراسان متعلق به دوران ماساژت ها، سکاها، اشکانیان و چه بسا فراتر از آن ها هستند (مقیم، ۱۳۷۰، صص. ۵۰-۵۱). در بین ترک ها نیز یُوار به همه مردم تعلق می گرفت و کسانی که نادار بودند و یا حادثه ای برای آن ها رخ می داد، جزو اولین نفرات برای انجام یُوار قرار می گرفتند. یُوار برای مردمان ترک چه از لحاظ انجام کارها و چه از نظر اخلاقی بسیار سودمند و مفید بوده است. در بین قوم ترک در موارد زیر آیین یُوار انجام می شده است:

کشاورزی و محصولات باغی: روستاهای ترک نشین بجنورد در گذشته اغلب در شمار مناطق انگورخیز به حساب می آمدند؛ از این رو، انگورچینی و تهیه فرآورده های باغی مانند کشمش، شیرپزی و... غالباً توسط گروه های همیار انجام می گرفت. ترک ها علاوه بر باغ انگور، زمین های کشاورزی گندم، جو، لوبیا و... را نیز یُوار می کردند. نحوه اجرای این آیین بدین گونه بوده است که گروهی از باغداران یا زمین داران که محصول را می کاشتند، هنگام درو (برداشت)، برای جلوگیری از سرمازدگی محصولات که باید سریع تر جمع آوری می شد و علاوه بر آن هزینه کارگر هم بسیار بالا بود، از این رو همسایه ها، فامیل های نزدیک و گاهی هم روستاییان را برای کمک دعوت می کردند. صبح روز یُوار همه با داس هایشان به سمت باغ و زمین صاحب یُوار می رفتند، دهل و سرنا هم می نواختند، معمولاً آهنگ هایی که مردم را به وجد بیاورد یا خستگی از تنشان بیرون کند، اجرا می شد. در حین یُوار برای آب دادن به افرادی که یُوار می کردند، دو نفر سقا می شدند. عده ای محصول را جمع می کردند و عده دیگر محصول دروشده را دسته بندی می کردند. هرکس دیرتر کار می کرد و پشت سر می ماند، افراد جلوتر مقداری از آن محصول را در دست خود بالا می گرفتند و بلند می گفتند:

خداقوت! که گویا نوعی تعریض و کنایه بوده است به افرادی که پشت سر مانده بودند. صاحب‌یوار به‌عنوان تشکر از افراد یاری‌رسانی، آن‌ها را به صبحانه و ناهار دعوت می‌کرد. در یوار آهنگ کوراوغلو را می‌نواختند و می‌خواندند تا مردم با هیجان بیشتر به کارشان ادامه دهند. ازجمله اشعاری که حین یوار می‌خواندند:

اگر ناتوانی بگو یا علی اگر خسته‌جانی بگو یا علی
قنبروار بگو یا علی یا علی یا علی یا علی

و گاهی فقط در پایان یوار با گفتن: «آلرنیز آغرَمسین: دستتان درد نکنه»، کار را به پایان می‌رساندند و از یوارچی‌ها تشکر می‌کردند. بدین ترتیب کاری که در یک هفته تمام می‌شد با یوار در یک روز به سرانجام می‌رسید. یوار در مراسم عزاداری و عروسی ترک‌ها هم اجرا می‌شد که بدین گونه بوده است: برای عروسی جوانان محله گرد هم می‌آمدند و با اسب و استرهایشان برای جمع‌آوری هیزم به کوه و بیابان می‌رفتند تا پلوی عروسی را روی آتش درست کنند. در این یوار نوعی رقابت میان جوانان بود؛ به این صورت که هر فرد دسته‌های هیزم خود را سریع‌تر جمع می‌کرد و به در خانه صاحب‌مجلس می‌آورد، یک جفت جوراب رنگی دست‌باف هدیه می‌گرفت. این نوع هدایا به‌منزله ایجاد شور، شوق، شادی و نشاط بود. در مراسم عزاء، یوار عنصر جدانشدنی از این مراسم محسوب می‌شد، زیرا اگر کمک مردم روستا نبود، تقریباً هزینه‌های عزاداری کمرشکن می‌شد. برای همین مردم با یوار مبلغی را به صاحب‌مجلس می‌دادند تا گوشه‌ای از مخارجش را پوشش دهد.

خانه‌سازی: مورد بعدی خانه‌سازی است که مردم با یوار کردن خانه خود را ترمیم می‌کردند و یا می‌ساختند.

پشم‌چینی: از دیگر مواردی که یوار در آن انجام می‌شد، پشم‌چینی گوسفندان بود.

آیین «یوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج... امید وحدانی فر و همکار



تصویر ۵: یوار مردان ترک در پشم‌چینی گوسفندان

Figure 5: Turkish Men's Commulative Work in Sheepshearing

در کنار مردان ترک، بانوان آن‌ها نیز در آیین یوار مشارکت داشتند. یکی از نقش‌ها و یوار بانوان در پنبه‌چینی است. در پنبه‌چینی، بانوان در مزارع، پنبه‌ها را از خارها جدا می‌کردند. یکی دیگر از نقش‌های بانوان این بود که به خانه صاحب‌یوار می‌رفتند و به او کمک می‌کردند. کسانی که مزارع زیادی داشتند، بانوان آن‌ها فتیر مسکه (غذایی محلی) درست می‌کردند. همچنین با ماست و دوراق پذیرایی می‌کردند. قبل از اینکه کمک‌کننده‌ها برسند، بانوان همه مقدمات اعم از شرحه شرحه کردن گوسفند را آماده می‌کردند. بنابراین، نقش بانوان باید زودتر از آقایان ایفا شود؛ یعنی صبح بسیار زود می‌رفتند تا گوشت را بار بگذارند و غذای یوار را درست کنند. از طرف دیگر بانوان که تمام کارهای پخت و پز، جaro کردن و... بر عهده داشتند؛ بعد از انجام یوار همه در یک‌جا جمع می‌شدند و استراحت می‌کردند. در این بین یک بخشی وجود داشت که در آنجا ساز می‌زد و فرد دیگری می‌خواند و طرف دیگر جواب می‌داد که این هنر علاوه بر ایجاد نشاط باعث افزایش نیرو برای ادامه کار در افراد می‌شد. علاوه بر آن در آیین

یُوَار خیلی از آشنایی‌ها صورت می‌گرفت و گاهی موجب امر خیر می‌شد (مهرنیا^{۱۱}، مصاحبه ۱۴۰۱/۹/۱۵).

۳-۴-۶. شباهت‌ها و تفاوت‌های آیین یُوَار

۳-۴-۶-۱. شباهت‌ها

یُوَار سنتی بوده که آداب و رسومی برای برگزاری آن وجود داشته است. در هر یک از اقوام مورد بحث برای انجام یُوَار ابتدا به طریقی به یکدیگر اطلاع می‌دادند و سپس در محلی تجمع می‌کردند و بعد از آن به محل کار صاحب یُوَار می‌رفتند و کار را بین افراد تقسیم می‌کردند. این آداب بین اقوام مذکور در بیشتر موارد به شیوه یکسان بوده است، زیرا به دلیل زیست مسالمت‌آمیز چهار قوم که با هم داشته‌اند و حتی امر ازدواج بین آن‌ها صورت می‌گرفته است، باعث شده تا حد زیادی بر هم تأثیر بگذارند و نیز از هم تأثیر بپذیرند. طبق بررسی‌های انجام شده مشخص شد که انجام آیین یُوَار در بین اقوام ترکمن، کرمانج، تات و ترک شباهت‌های بسیاری دارد. یُوَار در موارد درو، پشم‌چینی، خانه‌سازی، عروسی، تعزیه، پنبه‌چینی و... بین هر چهار قوم متداول بوده و نحوه برگزاری آن‌ها گاهی کمی با هم فرق داشته است. آیین یُوَار در موارد پشم‌چینی، دروکردن محصولات زراعی در بین چهار قوم کاملاً به صورت یکسان انجام می‌شده است. به طور کلی «سختی و دشواری کار کشاورزی در مراحل برداشت باعث می‌شود تا کار به صورت دسته‌جمعی راحت‌تر انجام گیرد و روحیه تعاون و یاریگری افزایش یابد» (هاشمی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۶). از همین روست که آیین یُوَار در دروی محصولات کشاورزی در بین چهار قوم مورد بحث رواج داشته است. در هنگام یُوَار بین هر چهار قوم افراد استادکار یا صاحب‌کاری بوده که کارها را تقسیم می‌کرده و غذای یُوَار اغلب آبگوشت بوده است. یُوَار برای جمع‌آوری محصول از مواردی است که در بین هر

آیین «یوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج..._____ امید وحدانی فر و همکار

چهار قوم وجود داشته است. جمع‌آوری پنبه در بین سه قوم ترکمن، ترک و کرمانج رواج داشته و اغلب یوار آن در میان هر سه قوم به دست بانوان انجام می‌شده و نحوه برگزاری آن تقریباً شبیه به هم است. یوار در عزاداری یکی از مواردی است که در بین سه قوم ترکمن، تات و ترک به صورت یکسان و شبیه به هم صورت می‌گرفته است. فقط یوار عروسی در بین قوم کرمانج بسیار کم‌رنگ بوده، اما در بین سه قوم دیگر بسیار جدی و گسترده انجام می‌شده است. یوار عروسی در بین ترکمن‌ها مفصل‌تر صورت می‌گرفته و در برخی موارد تفاوت‌هایی با دو قوم دیگر دارد، اما شباهت‌ها بر تفاوت‌ها چیره می‌شوند.

۲-۴-۳. تفاوت‌ها

در کنار شباهت، تفاوت نیز وجود دارد، زیرا این شباهت‌ها و تفاوت‌ها در کنار هم به زندگی انسان در همه امور معنا می‌دهند. در آیین یوار به همان اندازه‌ای که شباهت شکل گرفته و اقوام را به هم نزدیک کرده است، وجود تفاوت نیز باعث تمایز بین اقوام می‌شود. از تفاوت‌های موجود در انجام این آیین در بین چهار قوم مورد بررسی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در بین اقوام کرمانج، تات و ترک کسانی که برای یوار می‌روند، گوسفندی که صاحب یوار تدارک دیده با همکاری هم می‌کشند، اما در بین ترکمن‌ها خود صاحب یوار گوسفند را می‌کشد و غذا برای یوارچی‌ها درست می‌کند؛ ۲. در نمدمالی فقط بانوان ترکمن یوار انجام می‌داده‌اند و این نوع یوار در بین سه قوم دیگر وجود ندارد؛ ۳. درست کردن سمنو در بین قوم ترکمن و کرمانج است و دو قوم دیگر چنین یواری نداشتند؛ ۴. قالی‌های بانوان ترکمن بسیار مشهور است و بیشتر مردم، ترکمن‌ها را با اسب‌ها و قالی‌هایشان می‌شناسند. بنابراین، نقش یوار در قالی‌بافی ترکمن‌ها منحصر

بوده و در سه قوم دیگر وجود ندارد؛ ۵. قتل‌پزی از تفاوت‌های بعدی است که در قوم تات دیده نمی‌شود، اما سه قوم دیگر در این مورد یوار داشتند؛ ۶. چلپک‌پزی، شواتی‌پزی، کورته‌دوزی و نمدمالی نیز فقط در بین قوم ترکمن وجود دارد؛ ۷. کاهگل کردن پشت بام، حصار دور باغ و کود دادن باغ از موارد مشترک بین دو قوم تات و کرمانج است و دو قوم دیگر در این زمینه یوار ندارند؛ پخت کلوچه قندی، لحاف‌دوزی و عروس‌وران نیز فقط در بین قوم تات دیده می‌شود. گفتنی است که نحوه اجرای هر یک از آیین‌ها در هر فرهنگ حائز اهمیت است، زیرا دگلاس در کتاب *نمادهای طبیعی* (۱۹۷۰ - ۱۹۷۸)، عقیده مراسم را براساس کار جامعه‌شناسانه زبان‌شناسانه برنشتاین چنین مطرح می‌کند: «توجه به نحوه اجرای مراسم به عنوان وسیله ارتباط مفید است، زیرا مراسم بیانگر باورها، اعتقادات و عواطف جمعی است. از این رو، مراسم رساننده اطلاعات اجتماعی است. بنابراین، باید به مراسم به عنوان یک فرهنگ بنگریم» (دگلاس به نقل از عابدی و فیاضی، ۱۳۹۳، ص. ۴۸۰۶).

جدول ۱: تفاوت و شباهت یوار در بین چهار قوم

Table 1: Yuwar (Commulative Work) Difference and Similarity among four tribes

ترک	تات	کرمانج	ترکمن	قومیت موارد یوار
دارد	دارد	دارد	دارد	درو کردن
ندارد	ندارد	ندارد	دارد	نمدمالی
ندارد	دارد	ندارد	ندارد	پخت کلوچه قندی

آیین «بُوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج..._____ امید وحدانی فر و همکار

پشم‌چینی	دارد	دارد	دارد	دارد
خانه‌سازی	دارد	دارد	دارد	دارد
لحاف‌دوزی	ندارد	ندارد	دارد	ندارد
کورت‌دوزی	دارد	ندارد	ندارد	ندارد
عروسی	دارد	ندارد	دارد	دارد
درست کردن سمنو	دارد	دارد	ندارد	ندارد
کاهگل پشت بام	ندارد	دارد	دارد	ندارد
قالی‌بافی	دارد	ندارد	ندارد	ندارد
تعزیه	دارد	ندارد	دارد	دارد
پنبه‌چینی	دارد	دارد	ندارد	دارد
حصار دور باغ	ندارد	دارد	دارد	ندارد
کود دادن باغ	ندارد	دارد	دارد	ندارد
جمع‌آوری محصولات	دارد	دارد	دارد	دارد
قتلمه‌پزی	دارد	دارد	ندارد	ندارد
چلیک‌پزی	دارد	ندارد	ندارد	ندارد
عروس‌وران	ندارد	دارد	ندارد	ندارد
جمع‌آوری هیزم	دارد	دارد	ندارد	ندارد
شواتی	دارد	ندارد	ندارد	ندارد

جدول ۲: جامعه آماری

Table 2: Participants

رده سنی				تعداد مصاحبه‌شونده	قومیت
۵۰ سال به بالا	۳۶ تا ۵۰ سال	۲۶ تا ۳۵ سال	۱۵ تا ۲۵ سال		
۱۶ نفر	۵ نفر	۲ نفر	۴ نفر	۲۷ نفر	ترکمن
۱ نفر	۲ نفر	–	–	۳ نفر	تات
۲ نفر	۱ نفر	–	–	۴ نفر	کرمانج
۵ نفر	–	–	–	۵ نفر	ترک

۳-۴-۷. تأثیرات آیین یوار

یوار باعث می‌شد که کدورتی بین اقوام و فامیل‌ها پیش نیاید، صمیمیت بیشتر شود و مردم‌داری افزایش یابد، زیرا افراد از احوال همدیگر خبردار می‌شدند، تجربه‌های زیستی خودشان در حوزه‌های مختلف از جمله کشاورزی و دام‌پروری را به همدیگر منتقل می‌کردند. بنابراین، این آیین علاوه بر کمک به یکدیگر باعث ایجاد خیلی از فضیلت‌های اخلاقی می‌شده است. صرف نظر از اینکه آیین یوار فضایل اخلاقی را داشت، باعث می‌شد که به هر حال دوستی‌ها تقویت شود، کدورت‌هایی که در روابط انسانی بین مردمان وجود داشت، از بین برود. علاوه بر آن، یآوری کردن به دیگران کاملاً هم عرض داشت و هم به دیگران این امیدبخشی را می‌داد که اگر پول ندارند، می‌توانند با یآوری کردن به دیگران از آن‌ها کمک بگیرند و کارشان را سامان دهند. در فرهنگ هر چهار قوم یآوری به انسان‌های کم‌تر برخوردار و ضعیف بیشتر بود؛ یعنی

آیین «یوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج... _____ امید وحدانی فر و همکار

این گونه نبود که به صورت قرضی باشد. مثلاً یک انسان ناتوانی که نمی توانست کارش را خودش انجام دهد و کار هم نمی توانست برای دیگران بکند، یعنی در یآوری کمک کند، مردم او را یآوری می کردند تا کارش انجام شود و از آن هم چشم داشتی نداشتند، زیرا که انسان ضعیف و ناتوانی بود. براساس متون دینی نیز مشخص می شود که این آیین پشتوانه مذهبی دارد، زیرا خداوند متعال در آیه ۲ سوره مائده می فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»؛ در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید.

۴. نتیجه

آیین یوار، یووار، یآوری یا یوار نوعی از پدیده سنتی اجتماعی است که در چارچوب تعاون و دستگیری، نهایتاً نوع دوستی معنا می شود. یوار به احتمال زیاد ریشه ای ترکمنی دارد که در معنای همکاری و همدلی در کارهای خوب است؛ البته یوار در اصل به معنی کمک به هم نوع است، کمکی که می تواند هم شامل اوقات خوش و هم اوقات تلخ و ناگوار باشد. این آیین در گذشته بسیار مرسوم بوده است و براساس تحقیقاتی که به عمل آمده، اطلاعاتی درباره نحوه برگزاری آن از میان چهار قوم ترکمن، کرمانج، تات و ترک در خراسان شمالی جمع آوری شد. حاصل این بررسی نشان می دهد که در بین اقوام ترکمن و ترک این رسم تا حدود زیادی از بین رفته است، به طوری که در تحقیقات میدانی نشان می دهد که اکثر افراد زیر چهل سال راجع به این آیین هیچ اطلاعاتی ندارند و بیشتر افرادی که دهه پنجم زندگی خود را سپری می کنند، از آیین مذکور مطلع هستند و کسانی که به صورت عملی این آیین را تجربه کرده اند، بین ۷۰ تا ۸۰ سال سن دارند. در بین اقوام کرمانج و تات نیز کمابیش انجام می شود، ولی به شکل گسترده و سابق رواج ندارد. این سنت در زمینه های مختلفی در میان چهار قوم مذکور انجام می شده که مشهورترین آن شامل کشاورزی (درو کردن، جمع آوری محصولات،

کودپاشی مزارع، حصارچینی دور مزارع)، دامداری (پشم‌چینی گوسفندان)، خانه‌سازی (کاهگل کردن پشت بام‌ها، خانه‌سازی و تعمیرات خانه‌ها)، عروسی و تعزیه بوده است. آیین یوار در گویش‌های هر یک از اقوام مورد بحث نام‌های متفاوتی دارد، اما آن چیزی که حائز اهمیت است این که یوار به دلیل تعامل اقوام مذکور با یکدیگر بسیار شبیه به هم انجام می‌شده است و فقط کمک به هم‌نوع نبوده، بلکه مردم در زمان یوار در بسیاری از موارد (غیر از تعزیه) لحظات بسیار خوشی را سپری می‌کردند، شعر می‌سرودند و ساز می‌زدند. بنابراین یوار، سنتی بوده که باعث ایجاد فضیلت‌های اخلاقی بسیاری می‌شده است. براساس نتایج این جستار در بحث لایه‌های تحلیلی یا معنایی آیین یوار به این نکات پی می‌بریم که این آیین دربردارنده نوعی از سور و شادی بوده و حاوی پیام‌هایی نظیر: نوع‌دوستی، هم‌زیستی، همدلی، همکاری و همیاری است. در این آیین هدف اصلی چهار قوم برخاسته از حسّ نوع‌دوستی آنان است. بنابراین، این آیین صرفاً برای افراد نیازمند نیست، بلکه نوعی تعاون، همیاری و پیوند را ایجاد می‌کرد که به دوستی‌های پایدار و دلسوزی‌های بیشتر منجر می‌شد. یکی از موارد مهم و اصول اخلاقی که این سنت داشت، باعث شستن و از بین بردن کدورت‌ها می‌شد.

پی‌نوشت

۱. استان خراسان شمالی با مرکزیت شهرستان بجنورد، قومیت‌های مختلفی نظیر: تات، ترک، ترکمن و کرمانج در آن سکنی دارند که به همین دلیل به استان «رنگین کمان اقوام» مشهور است.

منابع

قرآن کریم.

الفارابی، ا. (۱۴۰۵). *فصول منتزعه، حقیقه و قدم له و علق علیه فوزی متر نجار*. بیروت: دار المشرق.

آیین «بُوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج..._____ امید وحدانی فر و همکار

توحیدی، ک. (۱۳۵۹). حرکت تاریخی کرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران. ج ۱. تهران: بی‌نا.

جلیل، ج.، و شادکام، گ. (۱۳۹۲). سه خشتی‌های کرمانجی. بجنورد: کاپاپیشین.

خیراندیش، م. (۱۳۸۴). فرهنگ عامه. حافظ، ۲۴، ۱-۲.

رجبی، م.، کافی، م.، داوری، م.، فولادی، ح.، صفاردستگردی، م.، و سلیمان‌پناه، م. (۱۳۷۸). تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام. تهران: سمت.

رفیع‌فر، ج.، و کماللو، خ. (۱۳۹۳). بررسی آیین حنابندان از دیرباز تا کنون. فرهنگ و ادبیات عامه، ۴، ۲۷-۵۳.

شادمهر، آ. (۱۳۷۷). نغمه‌های زنان ترکمن. گنبد: حاجی طلایی.

صفرزاده، ح. (۱۳۸۶). پژوهشی در گویش تاتی شمال خراسان و کاربرد آن در تصحیح و شرح متون ادب فارسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۱۵۹، ۶۷-۸۸.

طباطبایی، ح.، طباطبایی، ح.، و رضایی، م. (۱۳۹۴). آیین‌های سوگ و سرور در منطقه سرکویر دامغان. فرهنگ و ادبیات عامه، ۵، ۱-۲۷.

عابدی، ز.، و فیاضی، م. (۱۳۹۳). زبان‌شناسی فرهنگی با نگاهی به آیین ازدواج در دو منطقه تات‌نشین رویین اسفراین و لویه رودبار. مجموعه مقالات سیزدهمین گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، ۴۸۰۵-۴۸۲۱.

عزیزی، ف.، و رستمی، خ. (۱۳۹۴). فرهنگ لغت ترکی بجنوردی: ترکی به فارسی، فارسی به ترکی. بجنورد: درج سخن.

فرهادی، م. (۱۳۶۴). باران‌خواهی در میان عشایر سیرجان و بافت. آینده، ۳-۱، ۲۶-۳۲.

فرهادی، م. (۱۳۶۴). فرهنگ یاری در کشتکاری. جهاد، ۱۳، ۳۳-۴۳.

فرهادی، م. (۱۳۶۶). فرهنگ یاری در آبیاری. جهاد، ۹۸، ۱۰-۱۳.

فرهادی، م. (۱۳۶۹). دگریاری و خودیاری در جشن میان بهار در آسک لاریجان آمل. رشد آموزش علوم اجتماعی، ۳، ۳۱-۳۷.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۱۱، شماره ۵۱، مرداد و شهریور ۱۴۰۲

فرهادی، م. (۱۳۷۳). فرهنگ یاریگری در ایران: درآمدی به مردم‌شناسی و یاری‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون. تهران: نشر دانشگاهی.

فرهادی، م. (۱۳۸۱). بازتاب آموزه‌های دینی در فرهنگ ایرانی و بنیادهای دگریار ناهم‌تراز. علوم/اجتماعی، ۴۶، ۱-۳۹.

فرهادی، م. (۱۳۸۷). گونه‌شناسی یاریگری‌ها و تعاونی‌های سنتی در ایران. پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، ۲، ۱۳-۶۰.

فریدونی، ف. (۱۳۷۰). بررسی رابطه بین دام و مرتع در تعیین زندگی عشایر و حاکمیت آن‌ها در تولید ناخالص ملی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.

کوزر، ل. (۲۰۰۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه م. ثلاثی (۱۳۶۸). تهران: علمی.

مرادخانی، ص.، و قبادی، پ. (۱۳۹۰). آیین سوگواری در ایل کاکاوند. فرهنگ مردم ایران، ۲۶، ۹۳-۱۲۰.

متولی حقیقی، ی. (۱۳۸۷). تاریخ تحولات سیاسی شهرهای خراسان از آغاز تا انقلاب اسلامی. مشهد: آهنگ قلم.

مهام، م. (۱۳۹۹). رقابت و نظم اجتماعی، نقد جامعه‌شناسی گسسته‌گرا به مبنای یافته‌های (انسان‌شناسی یاریگری). راهبرد فرهنگ، ۵۰، ۷-۳۸.

مقیم، م. (۱۳۷۰). جغرافیای سیاسی شیروان. مشهد: آستان قدس.

مهبجوریان، ع. (۱۳۸۴). یاریگری در فرهنگ مردم مازندران. تهران: شمال پایدار.

میرحیدری، م. (۱۳۹۶). آیین چمر؛ آیینی به جای مانده از سوگ سیاوشان. فرهنگ مردم ایران، ۵۰ و ۵۱، ۹۹-۱۱۹.

نوراللهی، ع. (۱۳۹۷). یاریگری در میان کوچ‌نشینان و نیمه‌کوچ‌نشینان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام. فرهنگ مردم ایران، ۵۵، ۸۹-۱۱۴.

آیین «بُوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج... _____ امید وحدانی فر و همکار
هاشمی، ع. (۱۳۹۲). تعاون؛ همیاری سنتی در فرهنگ مردم. فرهنگ مردم/ایران، ۳۵، ۱۱۳-
۱۳۴.

یوسفی، ج. (۱۳۹۱). قوم ترکمن. تهران: امیرکبیر.

مصاحبه‌شوندگان

داوری، ب. ۷۴ ساله. ساکن روستای یکه‌سعود. بی‌سواد. شغل آزاد.
کوهی، ا. ۶۷ ساله. ساکن روستای قره‌قانو. بی‌سواد. شغل آزاد.
رهنما، ن. ۶۵ ساله. ساکن روستای باغلق. کارشناسی زبان و ادبیات فارسی. بازنشسته آموزش
و پرورش.
حمیدی، آ. ۶۰ ساله. ساکن روستای اشرف‌دره. بی‌سواد. خانه‌دار.
رامین، ب. ۶۵ ساله. ساکن روستای اشرف‌دره. بی‌سواد. خانه‌دار.
مرادی، ا. ۴۹ ساله. ساکن روستای یکه‌سعود. سوم ابتدایی. خانه‌دار.
جاوید، ن. ۵۶ ساله. ساکن روستای دویدخ. سیکل. خانه‌دار.
روشان، ح. ۴۵ ساله. ساکن شهرستان بجنورد. دکتری زبان و ادبیات فارسی. مدرّس دانشگاه.
رستمی، م. ۶۳ ساله. ساکن روستای کسبایر. دیپلم. بازنشسته پتروشیمی.
مهرنیا، ق. ۷۷ ساله. ساکن شهرستان بجنورد. سوم دبیرستان. بازنشسته تأمین اجتماعی.

References

- Abedi, Z., & Fayazi, M. (2014). *Cultural linguistics of wedding ceremonies among Tat people in Esfarayen and Levieh of Roudbar*. Papers on the 13th National Conference of Persian Language and Literature, 4805-4821.
- Alfarabi, A. (1405AH). *Some studies, reports, and analysis on Fozi Metr Najar*. Dar-almashregh.
- Azizi, F., & Rostami, Kh. (2015). *A dictionary of Bojnourdi's Turkish: Persian to Turkish, Turkish to Persian*. Darj Sokhan.
- Barnard, A., & Spencer, J. (2010). Ritual. In J. S Barnard Alan, *Encyclopedia of Social and Cultural Anthropology*. London, Routledge, p. 375.

- Farhadi, M. (1985). Asking for rain among tribes of Sirjan and Baft. *Future*, 1-3, 26-32.
- Farhadi, M. (1985). The culture of assistance in agriculture. *Jahad*, 83, 33-43.
- Farhadi, M. (1987). The culture of assistance in watering. *Jahad*, 98, 10-13.
- Farhadi, M. (1990). Helping others and self in spring celebrations in Ask Larijan of Amol. *Educational Development of Social Sciences*, 3, 31-37.
- Farhadi, M. (1994). *The culture of assisting others in Iran: an anthropological and sociological introduction*. University Press.
- Farhadi, M. (2002). The reflection of religious studies on Iranian culture and heterogeneous basis of helping others. *Social Sciences*, 47, 1-39.
- Farhadi, M. (2008). Archetypical study of assisting others and traditional cooperation in Iran. *Research in Humanities and Social Sciences*, 2, 13-60.
- Fereydouni, F. (1991). *A study on the relationship between husbandry and landscape in the future life of tribes and their governance in National GPD*. MA thesis, Tehran University, Tehran.
- Hashemi, A. (2013). Cooperation, traditional contribution in people's culture. *People's Culture of Iran*, 35, 113-134.
- Holy Quran.
- Jalil, J., & Shadkam, G. (2013). *Three communities of Kermanji*. Kapapishin.
- Kheirandish, M. (2005). Folk culture. *Hafez*, 24, 1-2.
- Kouzer, L. (2003). *Life and thoughts of key figures in sociology* (translated into Farsi by M. Salasi). Elmi.
- Maham, M. (2020). Competition and social principle: a sociological criticism of anthropological basis of assisting others. *Cultural Strategies*, 50, 7-38.
- Mahjourian, A. (2005). *Assisting others in people's culture of Mazandaran*. Shomal Paydar.
- Mirheidari, M. (2017). The ritual of Chamar, a reminiscent from Siavash mourning. *People's Culture of Iran*, 50-51, 99-119.
- Moghayemi, M. (1991). *Political geography of Shirvan*. Astan Ghods.
- Moradkhani, S., & Ghobadi, P. (2011). Mourning ritual in Kakavand tribe. *People's Culture of Iran*, 26, 93-120.
- Motavali Haghighi, Y. (2008). *A political history of cities in Khorasan from the beginning until Islamic revolution*. Ahang Ghalam.

آیین «بُوار» در بین اقوام تات، ترک، ترکمن و کرمانج... امید وحدانی فر و همکار

- Norolahi, A. (2018). Assisting others among the tribal and semi-tribal of Gholivand in Khezel tribes of Ilam. *People's Culture of Iran*, 55, 89-114.
- Rafifar, J., & Kamalou, Kh. (2014). The ritual of Hanabandan since the beginning. *Folk Culture and Literature*, 4, 27-53.
- Rajabi, M., Kafi, M., Davari, M., Fooladi, H., Safar Dastgerdi, M., & Soleimanpanah, M. (1999). *The history of social thought in Islam*. Samt.
- Safarzadeh, H. (2007). A study on Tati dialect in northern Khorasan and its impact on Persian literature. *Faculty of Literature and Humanities of Mashhad*, 159, 67-88.
- Shadmehr, A. (1998). *Turkman women's songs*. Haji Talayi.
- Tabatabayi, H., Tabatabayi, H., & Rezaee, M. (2015). The ritual of mourning and happiness in the desert area of Damghan. *Literature and Folk Culture*, 5, 1-27.
- Tavahodi, K. (1980). *The historical movement of Kurds toward Khorasan to defend Iran's independence*. Unknown.
- Yousefi, J. (2012). Turkeman ethnicity. Amirkabir.

Interviewees

- Artegh Hamidi, 60 years old, living in Ashraf Dareh village, illiterate, housewife.
- Davari, B. 74 years old, living in Yekesood village, illiterate, free job.
- Javid, N. 56 years old, living in Davidokh village, high school education, housewife.
- Kouhi, A. M. 67 years old, living in Ghareghanlou village, illiterate, free job.
- Mehrnia, Gh. 77 years old, living in Bojnourd, third grade of high school, retired from the social welfare organization.
- Moradi, A. 49 years old, living in Yekesood village, third grade of elementary school, housewife.
- Rahnama, N. 65 years old, living in Baghlagh village, Ba of Persian language and literature, retired from the ministry of education.
- Ramin, B. 65 years old, living in Ashraf Dareh village, illiterate, housewife.
- Roshan, H. 45 years old, living in Bojnourd, Phd of Persian language and literature, University professor.
- Rostami, M. 63 years old, living in Kasbayer village, diploma, retired from petrochemical co.